



فقط یه روز دیگه بود...



درد می‌گیره؟

دارم ازت
می‌پرسم درد
می‌کنه یا نه!

بذار مشقات
رو ببینم.



نمی‌فهمم چرا
جواب سؤال ۱۵،
«۲» می‌شه.

گری؟ جوابم رو
بده!

هی بچه‌ها!
زنگ بعد معلم
نمی‌آد...

بس
کن...



شنیدم کلاس بغلی
دیروز موقع زنگ مطالعه
بعد از ظهر، یه پیتزای
گنده سفارش دادن.

حسودی‌م شد. امروز
ناهار چی داریم؟

چرا مدرسه اومدن رو
تموم نمی‌کنی؟

باید پات رو
بشکنم تا دیگه
نیای مدرسه؟



تمومش کن.

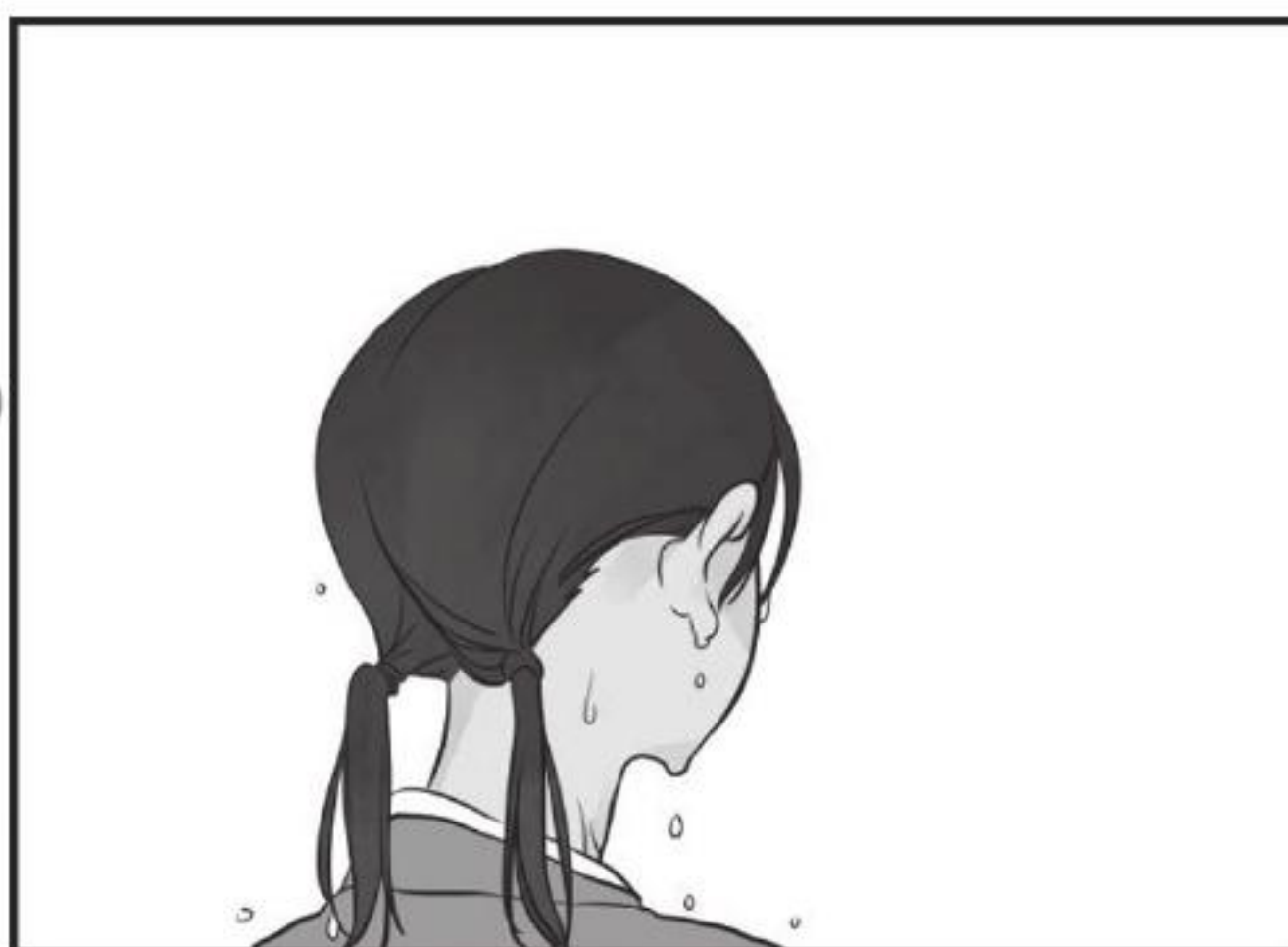
... تا وقتی که تصمیم گرفتم
جلوشون وایسم.

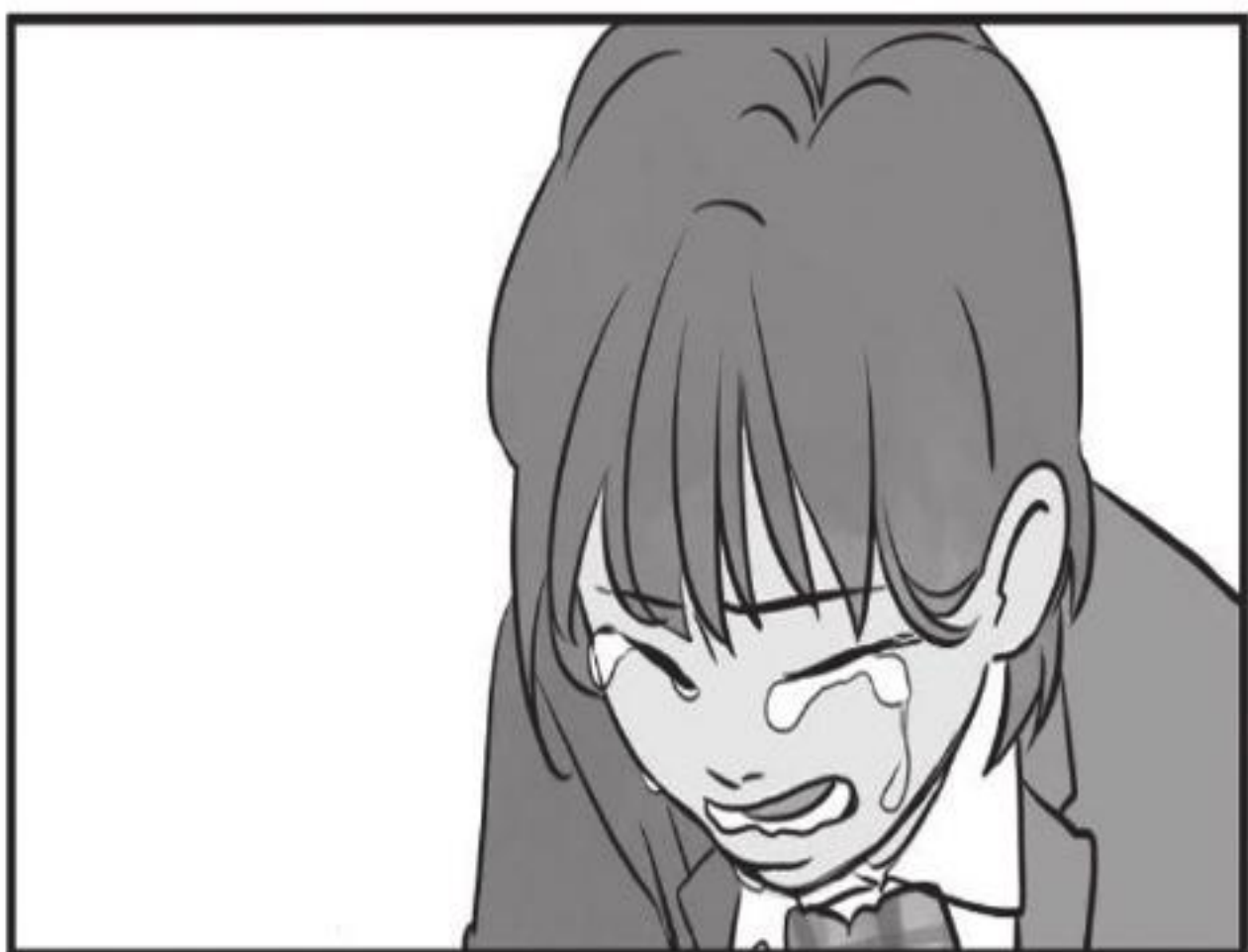




فقط دو روز طول کشید تا من به
قربانی جدیدشون تبدیل بشم.

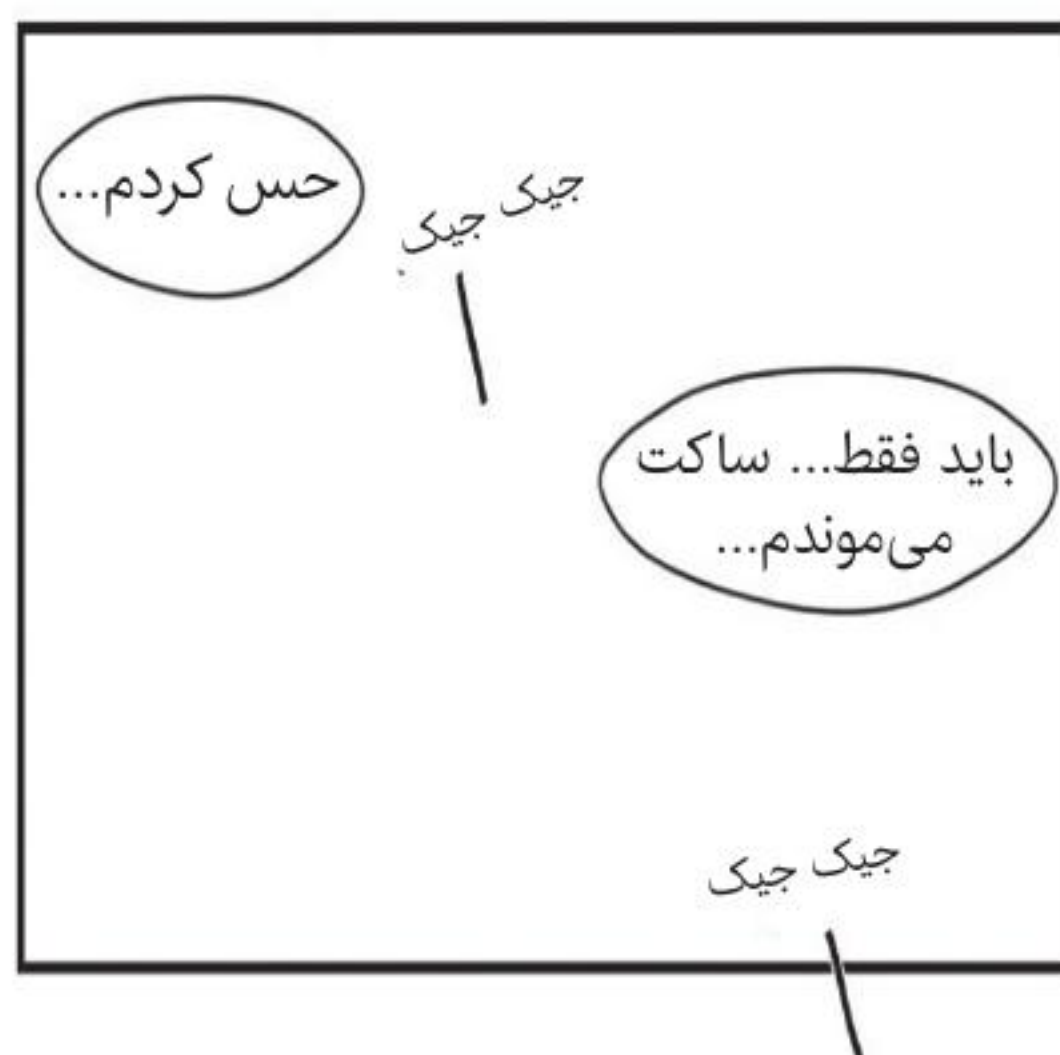














من...

جیک جیک

... می‌خواهم برگردم
پیش پدرم.

جیک جیک



حالا این جوری هم نیست
که من اون جا نمی‌تونم
درس بخونم.

جیک جیک

جیک جیک



برای همه کارایی که تا الان برام کردی
ممنونم، مادر بزرگ...

من تصمیم گرفتم
برگردم به خونه
پدری م.

همهٔ این مدت خونهٔ
مادر بزرگم می‌موندم که
بتونم راحت‌تر به مدرسه
رفت و آمد کنم.

چه خبر؟

ہی۔

این جایه روستا وسط کوهستانه،
به همین خاطر شاید تماس باهام
سخت باشه.

به هر حال من دارم
این نامه رو بهت
می‌فرستم، چون آدرس
و شماره تلفنم عوض
شده.

آدرس...

اتوبوس داره راه
می افته!

صدای موتور

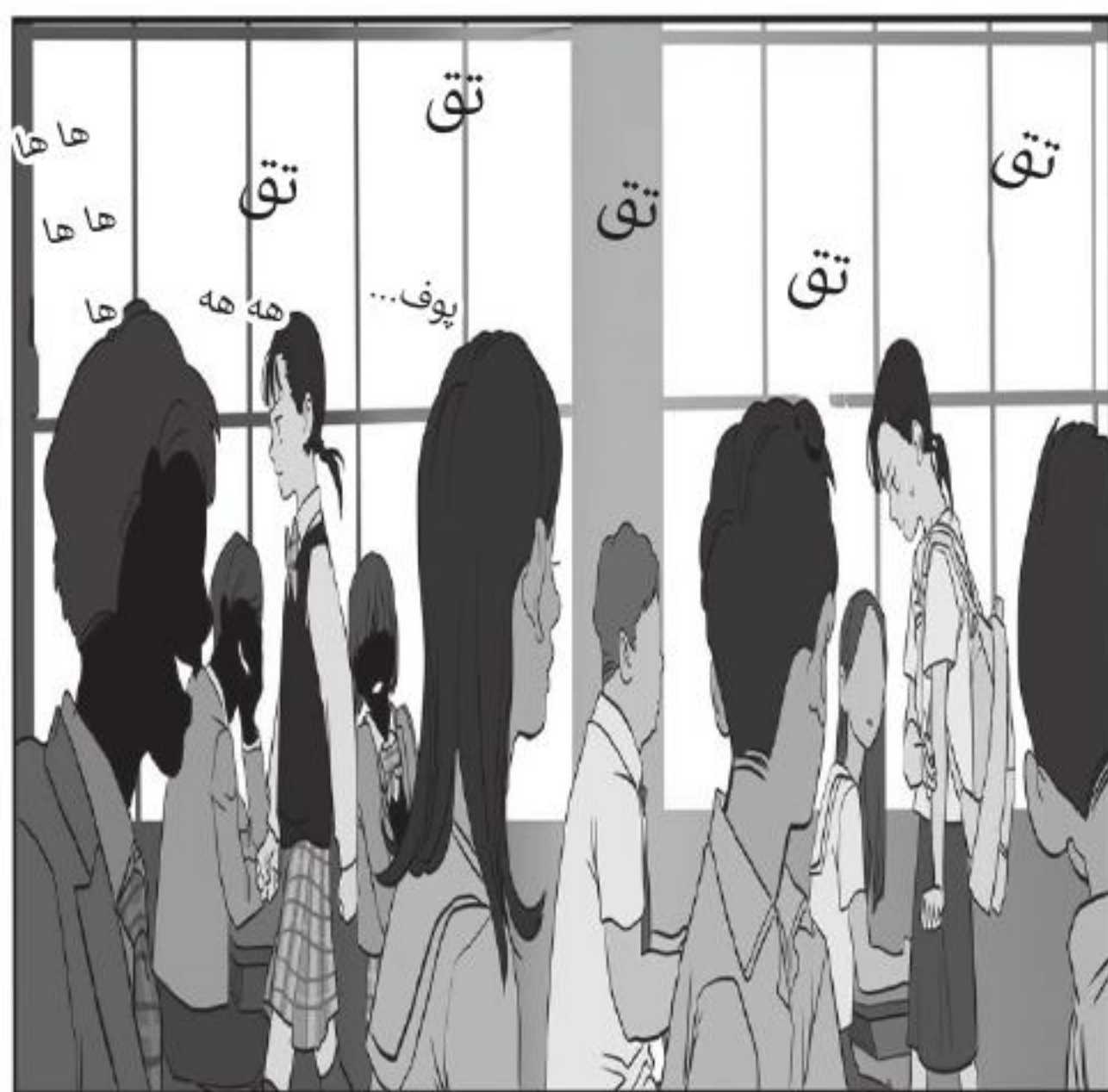
.... امیدوارم از این به بعد
همه‌چی تو مدرسه خوب
پیش بره.

نامهٔ تو

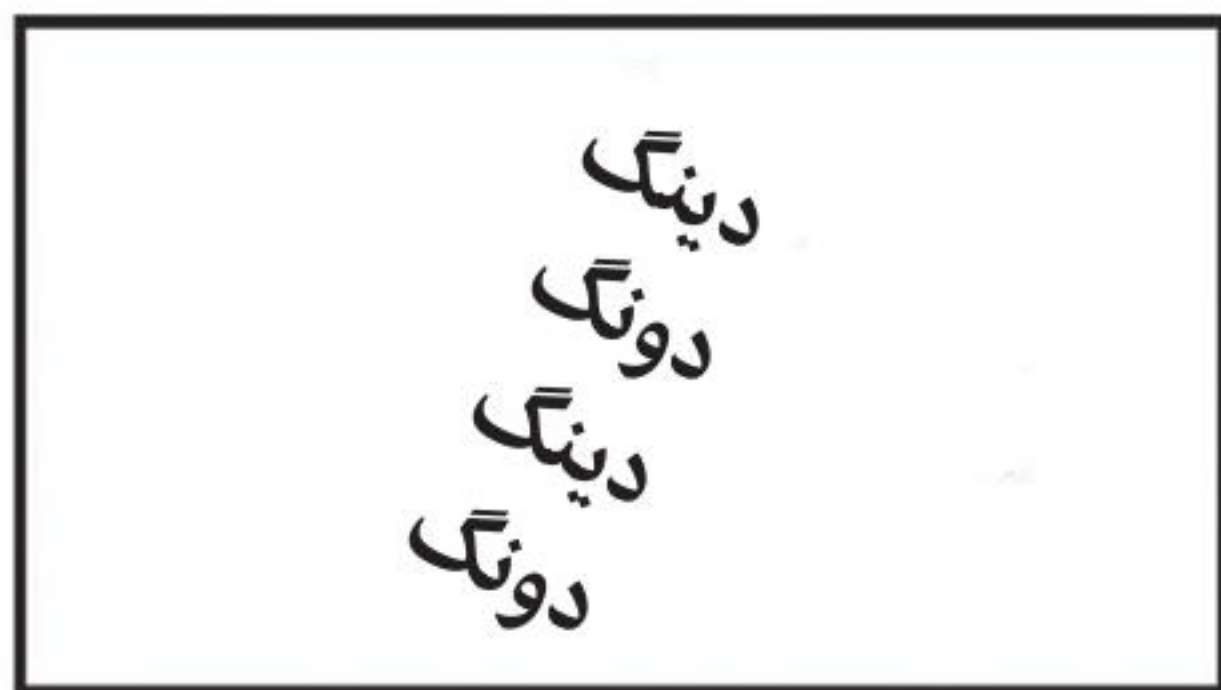








خب پس
درسمون رو ادامه
می‌دیم. صفحه ۲۱
رو باز کنید...



آممم...



نه، راستش رو بخواید...





خیلی خب،
پس بعداً
می‌بینمت!

اون هنوزم تنهاست.

